

## Original Article

### Innovations in the Code of Criminal Procedure in Order to Protect the Citizenship Rights

Mohsen Shirsavar Shahvand<sup>1</sup>, Seyed Alireza Mirkamali<sup>2\*</sup>, Akbar Rajabi<sup>3</sup>

1. Ph.D. Student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: a\_mirkamali@sbu.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

Received: 19 Jan 2019 Accepted: 16 Dec 2020

#### Abstract

**Background and Aim:** The Code of Criminal Procedure adopted in 1392 with the amendments of 1394 has different innovations in different aspects. Innovations related to criminal plaintiffs as well as non-judicial persons involved in criminal proceedings are among the most important of these innovations. This article aims to recognize the important and salient points as well as the shortcomings of these innovations.

**Materials and Methods:** Our method is descriptive-analytical and using library resources.

**Findings:** The Code of Criminal Procedure adopted in 1392 and amendments in 1394 have many innovations that have been achieved in order to protect human dignity and individual and social rights of citizens.

**Conclusion:** In the new law of criminal procedure, many innovations have been developed compared to the previous laws and the role of non-judicial persons has become more prominent than in the past. Among these, the active and effective presence of social workers in different stages of criminal proceedings, the presence of competent persons in forming personality files, the presence of counselors in juvenile court and the role of NGOs in criminal proceedings and some competent centers and organizations are more significant. In a way, we can say that the Code of Criminal Procedure of 1392 has different aspects of restorative justice with the presence of non-judicial persons.

**Keywords:** Innovation; Criminal Procedure Code; Citizenship Rights; Human Dignity

**Please cite this article as:** Shirsavar Shahvand M, Mirkamali SA, Rajabi A. Innovations in the Code of Criminal Procedure in Order to Protect the Citizenship Rights. *Bioethics Journal*, Special Issue on Citizenship Rights, Autumn 2018; 229-244.

## نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری در راستای حفظ حقوق شهروندی

محسن شیرسوار شهاوند<sup>۱</sup>، سیدعلیرضا میرکمالی<sup>۲\*</sup>، اکبر رجبی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل) Email: a\_mirkamali@sbu.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۹ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲۶

### چکیده

**زمینه و هدف:** قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات سال ۱۳۹۴ دارای نوآوری‌های متفاوتی در جنبه‌های مختلف است. نوآوری‌های مرتبط با اصحاب دعوی کیفری و همچنین اشخاص غیر قضایی دخیل در دادرسی کیفری، از جمله مهم‌ترین این نوآوری‌هاست. این مقاله با هدف شناخت نکات مهم و برجسته و همچنین کاستی‌های این نوآوری‌ها تهیه و تدوین گردیده است.

**مواد و روش‌ها:** روش کار ما به صورت توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

**یافته‌ها:** قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات ۱۳۹۴ نوآوری‌های زیادی داشته که در راستای حفظ کرامت انسانی و حقوق فردی و اجتماعی شهروندان محقق گردیده است.

**نتیجه‌گیری:** در قانون جدید آیین دادرسی کیفری نوآوری‌های زیادی به نسبت قوانین پیشین تدوین گردیده و نقش اشخاص غیر قضایی نسبت به گذشته پررنگ‌تر شده است. در این بین حضور فعال و مؤثر مددکاران اجتماعی در مراحل مختلف دادرسی کیفری، حضور اشخاص ذی‌صلاح در تشکیل پرونده شخصیت، حضور مشاوران در دادگاه اطفال و نوجوانان و ایفای نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی کیفری و برخی از مراکز و سازمان‌های ذی‌صلاح بیشتر قابل توجه است، به نحوی که می‌توانیم بگوییم قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ واجد جنبه‌های مختلفی از عدالت ترمیمی با حضور اشخاص غیر قضایی است.

**واژگان کلیدی:** نوآوری؛ قانون آیین دادرسی کیفری؛ حقوق شهروندی؛ کرامت انسانی

## مقدمه

به موازات فاصله‌گیری نظام از سیطره اندیشه‌های سزاگرایانه و تنبیهی صرف و در نتیجه گسیل به سمت رویکردهای اصلاحی، رفاهی، حمایتی و ترمیمی در برخورد با پدیده بزه‌کاری به عنوان یک آسیب و تعارض اجتماعی، زمینه لازم برای حضور و نقش‌آفرینی فعال متخصصان علوم اجتماعی، روان‌شناسی، جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی در فرآیند رسمی رسیدگی‌های کیفری فراهم شده است. اولین بارقه‌های این رویکرد، اگرچه توسط طرفداران مکتب تحقیقی مطرح گردید و با پیگیری افراطی حامیان مکتب دفاع اجتماعی کلاسیک مبنی بر حذف قضاوت و جایگزینی آن‌ها با کارشناسان به اوج خود رسید، اما با غلبه رویکرد میانه‌رو و قانونگرا، تحت عنوان جنبش دفاع اجتماعی نوین که حامی حفظ نظام متناسبی از آیین دادرسی با انجام اصلاحات در زمینه فردی کردن مجازات‌ها بود، زمینه ورود متخصصان اجتماعی به نظام عدالت کیفری فراهم شد. نقش این افراد در طی دهه‌های گذشته همسو با تحولات پارادایم‌های حاکم بر حقوق کیفری دچار تحول شده است. مددکاران اجتماعی، از جمله این متخصصان هستند که امروزه در گذر از نقش غیر رسمی و داوطلبانه به جایگاه حرفه‌ای، رسمی و سازمان یافته، نقش‌های مختلفی را در نظام عدالت کیفری بر عهده گرفته‌اند. بازکردن درهای بسته حقوق کیفری به روی اشخاص غیر قضایی دلایل متعددی داشته است که از جمله می‌توان به کاستن از نرخ بزه‌کاری، پیشگیری از تکرار جرم، کاهش تورم جمعیت کیفری و اصلاح مجرمین اشاره کرد، چنانچه قواعد شکلی آیین دادرسی کیفری، درصدد ورود به برنامه‌های عدالت ترمیمی و اصلاحی هستند، باید حضور مردم، کارشناسان و نهادهای مردمی و مدنی را که در مجموع اشخاص غیر قضایی هستند، بپذیرد. با توجه به تغییر و تصویب دو قانون مهم مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ در ایران، ملاحظه می‌کنیم که دخالت مقامات غیر قضایی در دادرسی کیفری مورد توجه قانونگذار ایرانی قرار گرفته است. در همین راستا قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ضمن پذیرش حضور اشخاص غیر قضایی در برخی از مراحل دادرسی

کیفری، نوآوری‌هایی در این خصوص داشته که در نظام حقوقی ایران سابقه نداشته است. به عنوان نمونه، ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مقرر می‌دارد بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد و گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود. همچنین به موجب ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی سازمان‌های مردم‌نهادی که اساس‌نامه آن‌ها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم و در تمام مراحل دادرسی شرکت نمایند. ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی می‌گوید در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است. همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها ثلث دیه کامل مجنی‌علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می‌گردد، حاوی گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم و گزارش پزشکی و روان‌پزشکی است. به موجب ماده ۴۱۰ قانون آیین دادرسی مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روان‌شناسی، جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روانشناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب می‌شوند.

## ۱- پیشینه تحقیق

محمدحسین پویاسیرت در مقاله خود در سال ۱۳۹۶ تحت عنوان «رسیدگی به جرائم اطفال در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲» به نقش اشخاص غیر قضایی در خصوص دادرسی اطفال توجه داشته است. قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب اردیبهشت ۱۳۹۳ در زمینه بزه‌کاری اطفال و نوجوانان، رویکردهای قابل توجهی را اتخاذ نموده که با

دادرسی کیفری جدید با تغییرات عددی، شکلی و ماهوی گسترده در قانون آیین رسیدگی کیفری در خصوص تعقیب متهم، نوعاً گرایش بر اعمال اصل تفسیر مُضیق به نفع متهم، رعایت اصول و هنجارهای حقوق شهروندی و بشری و تحقق عدالت دارد.

در تحقیقات فوق هرچند جهات ارزشمندی مشاهده می‌نماییم، لیکن به صورت جامع و کامل به نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری نپرداخته‌اند و ما در این مقاله سعی کردیم خلأ مطالعاتی مذکور را پوشش دهیم.

## ۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

قانون آیین دادرسی کیفری در راستای یک تحول بزرگ نقش مهم و اساسی برای حضور اشخاص غیر قضایی در برخی از مراحل دادرسی کیفری قائل شده است، در حالی که مدتی قریب به سه سال از اجرای این قانون می‌گذرد، شاهد حضور مؤثر اشخاص غیر قضایی در مراحل دادرسی کیفری نیستیم. عدم شناخت مبانی و فلسفه حضور این اشخاص و همچنین چگونگی این حضور، یکی از دلایل مهم عدم تحقق اهداف قانونگذار در این حوزه است، در نتیجه لازم و ضروری است تا به مبانی و فلسفه حضور اشخاص غیر قضایی در رسیدگی‌های کیفری، چگونگی این حضور و ارتباط آن‌ها با مقامات قضایی پرداخته شود. خلأ مهم تحقیقاتی که در این خصوص وجود دارد، این است که جایگاه اشخاص غیر قضایی در دادرسی کیفری در نظام حقوقی ایران ناشناخته است و باید مورد تبیین قرار گیرد.

## ۳- محدودیت‌های پژوهش

از جمله محدودیت‌های تحقیق می‌توان به عدم دسترسی به منابع کتابخانه‌ای اشاره کرد.

## ملاحظات اخلاقی

این مقاله با حفظ اصالت محتوا و با رعایت اصل انصاف و امانتداری تدوین شده است.

موضوعات کنوانسیون جهانی حقوق کودک و تئوری صاحب‌نظران و نیز مبانی کیفرزدایی تا حدودی منطبق به نظر می‌رسد و از نقص‌های قانون قبلی فاصله گرفته است. مهم‌ترین این نوآوری‌ها عبارتند از: تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، تأسیس دادسرای ویژه نوجوانان، تشکیل دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان در شهرستان‌ها، انتصاب قضات آموزش‌دیده و مجرب به عنوان دادرسان دادگاه‌های اطفال و نوجوانان، تعیین مشاور در دادگاه‌ها از بین متخصصان مرتبط، امکان حضور وکیل و حتی حضور اجباری وکیل در موارد خاص، رعایت مصلحت طفل در عدم حضور در دادگاه برای رسیدگی به بزه انتسابی و توجه به سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط با اطفال و نوجوانان.

محمدحسین حجاریان و رضا سلیمانی در مقاله‌ای با عنوان «پرونده شخصیت متهم در قانون آیین دادرسی کیفری مصوبه ۱۳۹۲» در سال ۱۳۹۶ به این نتیجه رسیده‌اند که هدف جرم‌شناسی شناخت علل و درمان مجرم و پیشگیری از وقوع جرم است. جرم‌شناسی با استفاده از علوم مختلف و بررسی و مطالعه بر روی فرد از جهت زیست‌شناسی و روان‌پزشکی و عوامل محیطی مؤثر بر فرد از جمله خانواده و... به علل وقوع بزه می‌پردازد، زیرا امروزه مجازات هدف نهایی نیست، بلکه اصلاح مجرم و تبدیل او به یک عنصر مفید مد نظر است.

اکبر وروایی و دیگران در مقاله خود در سال ۱۳۹۵ با موضوع «مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری» به حوزه فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد (فعال در زمینه حمایت از زندانیان، بزه‌دیدگان ناشی از حوادث کار، بزه‌دیدگان بی‌بضاعت و...) طبق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره کرده‌اند.

رضا حسین پور در پایان‌نامه خود در سال ۱۳۹۵ با موضوع «مطالعه تطبیقی نحوه دخالت وکیل در فرایند دادرسی کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ با قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲» به این نتیجه رسیده است که قانون آیین دادرسی کیفری، از مهم‌ترین قوانین پایه‌ای و اساسی هر کشور بوده که بخش مهمی از نظم عمومی کیفری و عدالت کیفری از طریق آن اجرا می‌شود. مقررات نظام قضایی و دادرسی و آیین دادرسی کیفری در ایران، طی سه دهه گذشته، چندین بار دچار تغییرات کلی شده است. قانون آیین

## مواد و روش‌ها

این مقاله تحلیلی - توصیفی با استفاده از فیش‌برداری از منابع و کتاب‌های فقهی، حقوقی و نظرات دکترین حقوقی تدوین شده و همچنین از سایت‌های معتبر کافی جهت دسترسی به مقالات مربوط به موضوع استفاده گردیده است.

### ۱- تعاریف و مفاهیم

۱-۱- مفهوم دادرسی: دادرسی در لغت به معنی رسیدگی کردن به داد و شکایت اشخاص، به داد کسی رسیدن یا به دادخواهی دادخواه رسیدگی کردن می‌باشد (۱).

دادرسی از نظر اصطلاحی دو تعریف موسع و مضیق دارد. در تعریف موسع، رشته‌ای از علم حقوق است که هدف آن تعیین قواعد راجع به تشکیلات قضایی، صلاحیت مراجع قضایی، تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی و اجرای تصمیمات دادگاه‌ها می‌باشد و در مفهوم مضیق، به مقرراتی اطلاق می‌شود که در جریان رسیدگی به شکایات یا دعوی به منظور اتخاذ تصمیم توسط قاضی مرجع قضایی یا شخصی که به او اختیار تصمیم‌گیری داده شده است، به کار می‌رود (۲).

۱-۲- دادرسی کیفری: دادرسی کیفری مجموع ضوابط، قواعد، مقررات و اصولی است که به دنبال وقوع جرم به مورد اجرا درمی‌آید تا مراجع، مقامات و مسئولین صلاحیت‌دار قانونی در جهت صیانت جامعه و حقوق افراد ذی‌ربط با تضمین عدالت نسبت به کشف، تعقیب، رسیدگی، صدور حکم و اجرای مجازات اقدام نمایند.

نظام کیفری در مفهوم عام، شامل کلیه ترکیبات و قواعدی است که در زمینه کشف جرم و تحقیق و تعقیب آن و دادرسی و اجرای حکم کیفری وضع و مقرر شده است و در مفهوم خاص، شامل قواعد و تشریفات است که در دادرسی‌های جزایی از زمان صدور کیفر خواست تا تاریخ صدور حکم قطعی در دادگاه‌ها باید رعایت شود (۳).

### ۱-۳- اشخاص غیر قضایی دخیل در دادرسی کیفری:

مطابق قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به جز اصحاب دعوی و مقامات قضایی، اشخاص حقیقی و حقوقی دیگری نیز تحت عناوین مختلف در دادرسی کیفری ایفای نقش می‌کنند. با بررسی مفاد قانون آیین دادرسی کیفری، اشخاص غیر

قضایی که به نحوی دخالت و یا حق حضور در برخی از مراحل دادرسی کیفری را دارند، عبارتند از: ضابطان دادگستری، پزشک و پزشکی قانونی، کارشناسان، شهود، مطلعین، خانواده متهم، آشنایان و بستگان وی، کارکنان اداری، وکیل، سازمان‌های مردم‌نهاد، ولی و قیم و قیم موقت، شخص یا مؤسسه میانجی‌گری، مؤسسات عام‌المنفعه و ... .

### ۲- نوآوری‌های مرتبط با اصحاب دعوی کیفری

بخش مهمی از نوآوری‌های قانون جدید آیین دادرسی کیفری مرتبط با اصحاب دعوی کیفری در مراحل کشف جرم و تحقیقات مقدماتی است. از یک طرف شاکی و مدعی خصوصی و بزه‌دیده به صورت خاص مورد توجه قرار گرفته و از طرف دیگر متهم به عنوان یک طرف اصلی دعوی کیفری بسیار مورد توجه مقنن بوده، به نحوی که می‌توان گفت بیشترین نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مربوط به متهم بوده است..

### ۳- نوآوری‌های مرتبط با بزه‌دیده (شاکی و مدعی خصوصی)

بزه‌دیده به عنوان یکی از طرفین پرونده کیفری نقش اصلی در دعوی کیفری دارد. نقش شاکی با اعلام صریح و طرح شکایت شروع می‌شود و در هر مرحله از دعوی اعم از تعقیب و تحقیق حضور دارد. قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص نقش شاکی در مراحل کشف جرم و تحقیقات مقدماتی دارای نوآوری‌هایی است که به آن‌ها می‌پردازیم.

#### ۱-۳-۱- عدم لزوم معرفی متهم توسط شاکی: یکی از

نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری، از دست‌ندادن فرصت‌های لازم برای تحقیقات مقدماتی در راستای حفظ حقوق شاکی خصوصی است. شناسایی متهم یکی از اهداف تحقیقات مقدماتی و از وظایف مرجع تحقیق است. بنابراین عدم معرفی وی توسط شاکی و ناشناخته‌بودن هویت او یا به تعبیر قانون آیین دادرسی کیفری، معین‌نبودن متهم دلیل موجهی برای عدم انجام تحقیق در این خصوص تلقی نمی‌شود. مخفی‌شدن متهم و یا حضور او در مکانی که دسترسی به او دشوار باشد نیز مجوز توقف انجام تحقیقات نیست.

کشف حقیقت منافات خواهد داشت و پذیرفته نخواهد شد، البته پس از رفع مانع موجهی برای مخالفت با درخواست شاکی وجود ندارد (۵).

البته مخالفت با تقاضای شاکی نیازمند دلایل و صدور قرار مستدل و معقول است و نمی‌توان با هر تقاضای شاکی برای تهیه رونوشت از اوراق پرونده به بهانه منافات با کشف حقیقت مخالفت نمود. به هر حال اصل بر پذیرش و اجابت تقاضای شاکی است مگر آنکه به تشخیص دادیار یا بازپرس یا دادستان اجابت تقاضای شاکی با کشف حقیقت منافات داشته باشد. قرار رد درخواست مطالعه یا دسترسی به پرونده تنها می‌تواند ناظر به برخی از اوراق پرونده باشد که در این صورت معنی برای دسترسی به سایر اوراق آن وجود ندارد (۶).

### ۳-۳- پذیرش حق تهیه دلیل از طریق دادسرا برای

**شاکی:** قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ صراحتاً به شاکی این حق را داده است تا با تحقیق محلی، معاینه محلی، استفاده از کارشناس یا از طریق دادسرا به تهیه دلایلی به نفع خود اقدام نماید. تحقیق محلی با حضور در محل وقوع جرم، محل اقامت متهم یا محل اقامت شاکی و جمع‌آوری اطلاعات از اهالی محل انجام می‌شود و معاینه محل، ملاحظه صحنه وقوع جرم و آثار به جای مانده از آن در محل ارتکاب است. با استناد به ماده ۱۲۳ و ۱۲۵ شاکی می‌تواند تحقیق محلی یا معاینه محل را درخواست کند و خود نیز در هنگام معاینه محل حاضر شود، اما عدم حضور وی مانع از انجام معاینه نیست (۷).

### ۳-۴- طرح شکایت با اقدام از طرف دادستان: تفکیک

جرائم به جرائمی که تعقیب آن‌ها موکول به شکایت شاکی خصوصی است و جرائمی که چنین نیستند، سابقه دیرینه دارد و برای تشخیص این‌که چه جرمی بدون شکایت شاکی خصوصی است و رأساً توسط دادستان قابل تعقیب است و چه جرمی نیازمند طرح شکایت از طرف شاکی خصوصی می‌باشد، باید به قانون مراجعه نمود. بر این اساس تبصره ماده ۱۲ تعیین جرائم قابل گذشت را به قانون واگذار کرده است (۸).

### ۳-۵- پذیرش نهاد ترک تعقیب توسط شاکی: یکی از

نوآوری‌های مهم در قانون جدید در خصوص شاکی، حق

با این حال گاهی دلایل و مدارک موجود در پرونده به اندازه‌ای نیست که بتواند کمکی به شناسایی هویت متهم نماید. تنها در این فرض، یعنی اگر هویت مرتکب جرم معلوم نشود، به موجب ماده ۱۰۴ پس از گذشت دو سال، بازپرس می‌تواند با موافقت دادستان در برخی جرائم تعزیری، قرار توقف تحقیقات صادر نماید. معلوم‌شدن مرتکب منوط به معلوم شدن هویت رسمی او حداقل با درج نام و نام خانوادگی است تا بدان وسیله بتوان اقدام به احضار و تفهیم اتهام به او نمود. بنابراین اگر از متهم نام کوچک او یا نامی که در محل سکونت خود به آن مشهور است، معلوم باشد یا فقط تصویر فیلمبرداری شده توسط دوربین‌های مداربسته از وی در دسترس باشد، نمی‌توان گفت که هویت مرتکب جرم معلوم شده است (۴).

در مورد همه جرائم نمی‌توان به صرف معلوم‌نشدن مرتکب، پس از مدتی اقدام به صدور قرار توقف تحقیقات نمود، بلکه تنها در برخی جرائم نسبتاً کم‌اهمیت که ماده فوق آن‌ها را جزء جرائم تعزیری درجه چهار، پنج، شش، هفت و هشت دانسته، چنین اقدامی مجاز است. منظور از مواردی که پرونده مطابق قانون به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، جرائم افراد زیر پانزده سال تمام، جرائم منافی عفت و جرائم تعزیری درجه هفت و هشت است که تحقیقات مقدماتی در مورد آن‌ها نه در دادسرا، بلکه در دادگاه انجام می‌شود.

### ۳-۲- پذیرش صریح حق اطلاع شاکی از محتویات

**پرونده:** یکی از مشکلاتی که همیشه شکات پرونده‌های کیفری با آن رو به رو بوده و قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت آن را برطرف کرده است، پذیرش حق شاکی نسبت به اطلاع از محتویات پرونده است. با دلالت ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری شاکی می‌تواند اوراق پرونده را مطالعه و یا به هزینه خود از آن‌ها تصویر تهیه کند. این تقاضای شاکی در صورتی اجابت خواهد شد که اجرای آن با کشف حقیقت منافات نداشته باشد. به عنوان مثال اگر شبهه شکایت عمدی خلاف واقع مطرح باشد، چه بسا دادیار یا بازپرس دستوراتی برای احراز این موضوع و تحقیق از اشخاص معینی صادر می‌کند. در این صورت اطلاع شاکی از دستورات مربوطه با

ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ سه نوع ضرر و زیان را قابل مطالبه دانسته است: ۱- ضرر و زیان مادی؛ ۲- ضرر و زیان معنوی؛ ۳- منافع ممکن‌الحصول. به موجب این ماده ضرر و زیان‌های فوق خسارتی است که بر اثر ارتکاب جرم به جسم، اموال و دارایی بزه‌دیده وارد می‌شود و به صورت کاهش دارایی مثبت، یعنی از بین رفتن عین مال یا کاهش ارزش آن‌ها جلوه می‌نماید. هزینه‌های صورت‌گرفته به منظور درمان جراحات‌های ایجادشده در اثر جرم نیز در شمار ضرر و زیان مادی محسوب می‌شود (۱۰).

### ۸-۳- تضمین حقوق شاکی و بزه‌دیده از طریق صدور

**قرارهای تأمین:** فلسفه قرارهای تأمین به عنوان یکی از وسایل تضمین حقوق احتمالی شاکی و بزه‌دیده، برای حفظ حقوق شاکی و از نوآوری‌های مهمی است که نسبت به قانون گذشته هم در تعداد قرارها و هم در چگونگی آن‌ها صورت گرفته است. طبق تعاریف ارائه‌شده قرارهای صادره در امور کیفری به دو دسته قرارهای اعدادی و نهایی تقسیم می‌شوند. قرارهای اعدادی قرارهایی هستند که پرونده را مهیا برای اظهار در مورد دلایل اتهام و قابلیت محاکمه متهم می‌سازند، مانند قرارهای تأمین کیفری، قرار تأمین خواسته و... و قرارهای نهایی قرارهایی هستند که محتوای آن‌ها اظهار نظر در مورد اتهام متهم و دلایل آن و لزوم و عدم لزوم ارسال پرونده به دادگاه جهت محاکمه متهم است، قرار منع تعقیب، موقوفی تعقیب و... از جمله این قرارها کجسوب می‌شوند (۴).

قرارهای اعدادی به ویژه قرارهای تأمین کیفری و قرار تأمین خواسته یکی از موقعیت‌های مهمی هستند که با منافع بزه‌دیده یا منافع متهم تداخل پیدا می‌کند و رعایت هر یک موجب ناراحتی طرف دیگر دعوا می‌شود. به عنوان مثال حفظ حقوق متهم ایجاب می‌کند که تا زمان صدور حکم قطعی هیچ گونه کوتاهی نسبت به آزادی متهم یا اموال او صورت نگیرد، اما از سوی دیگر به منظور حمایت از حقوق بزه‌دیده باید تدابیری در ممانعت از احتمال فرار یا تبانی متهم اندیشیده شود (۱۱).

درخواست ترک تعقیب است. به موجب ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در جرائم قابل گذشت شاکی می‌تواند قبل از صدور کیفرخواست، درخواست ترک تعقیب متهم را نماید. در این صورت دادستان قرار ترک تعقیب را صادر می‌نماید و شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک بار تا یک سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست نماید. قرار مذکور از این جهت که معمولاً دادستان پس از تقاضای شاکی یا بزه‌دیده، نظر بزه‌کار را در این زمینه جویا می‌شود در شمار شیوه‌های توافقی قرار می‌گیرد و موافقت بزه‌کار با دادستان در این خصوص یک شرط بنیادی است که نویسندگان قانون آیین دادرسی کیفری این شرط را حذف نموده و در دو نوبت به آن جنبه یک طرفه داده اند (۹).

### ۶-۳- درخواست تأمین خواسته بدون تودیع خسارت

**احتمالی توسط شاکی:** وجود ادله قابل قبول برای توجه اتهام نسبت به متهم به منظور صدور قرار تأمین خواسته کفایت می‌کند. در دعاوی حقوقی برای تضمین دستیابی خواهان به خواسته خود، در صورت محکومیت قطعی خواننده، این امکان پیش‌بینی شده است که دادگاه به تقاضای خواهان اقدام به صدور قرار تأمین خواسته از احوال خواننده نماید. در این صورت اگر خواسته عین معین باشد، عین آن و در غیر این صورت معادل قیمت خواسته از سایر اموال خواننده توقیف می‌شود. در دعاوی کیفری شاکی می‌تواند ضرر و زیان ناشی از جرم را که به او وارد شده است، از دادگاه کیفری رسیدگی کننده به جرم مطالبه کند تا از اقدام متهم به انتقال اموال خود و تضییع حقوق زیان دیده از جرم جلوگیری به عمل آید (۴).

### ۷-۳- پذیرش صریح ضرر و زیان معنوی برای شاکی:

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، به صراحت جبران ضرر و زیان معنوی را به عنوان یک نوآوری پذیرفته است، اگرچه به موجب قانون حق جبران ضرر و زیان به مدعی خصوصی داده شده است، اما این حق مطلق نیست و فقط ضرر و زیان‌هایی که در قانون مورد پذیرش قرار گرفته باشد، قابل مطالبه هستند.

**۴- تکلیف به رازداری نسبت به بزه‌دیده**

عدالت ترمیمی جنبشی نوین در حوزه جرم‌شناسی است. از آنجا که جرم موجب جریحه‌دار شدن وجدان جامعه و اختلال در نظم اجتماعی می‌شود، دستگاه عدالت قضایی را بر آن می‌دارد تا آسیب‌های به وجودآمده را ترمیم کند و طرفین نیز مجاز به مشارکت در این فرآیند خواهند بود. عدالت ترمیمی درصدد آن است تا آنچه نقض شده بهبود یابد و مهم‌ترین هدف در رویکرد ترمیمی توجه به نیازها و دل‌مشغولی‌های بزه‌دیده می‌باشد (۱۲).

**۵- عدم تحمیل هزینه‌های ناشی از انجام وظایف ضابطین بر بزه‌دیدگان**

ضابطین دادگستری و مقامات قضایی برای انجام وظایف محوله و پیگیری امورات مربوط به بزه‌دیدگان، نیازمند صرف هزینه‌هایی می‌باشند که این هزینه‌ها نباید بر بزه‌دیدگان تحمیل شود و باید توسط مرجع ضابطین دادگستری تأمین گردد. قانونگذار در تدوین قانون جدید آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این موضوع را مورد تصریح قرار داده و در ماده ۶۲ مقرر نموده است: «تحمیل هزینه‌های ناشی از انجام وظایف ضابطان نسبت به جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی‌شدن متهم، دستگیری وی، حمایت از بزه‌دیده و خانواده او در برابر تهدیدات، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی تحت هر عنوان بر بزه‌دیده ممنوع است.» بنابراین با اجرای این قانون، دیگر تحمیل هزینه‌های مذکور که در حال حاضر بر شهروندان بزه‌دیده تحمیل می‌شود، فاقد وجاهت قانونی خواهد بود (۱۰)، لذا به منظور جلوگیری از اقدامات مشابه در آینده، ضابطین دادگستری باید تمهیدات لازم برای اجرای این امر مقنن را فراهم نمایند.

**۶- نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری نسبت به متهم**

بیشترین نوآوری در قانون جدید آیین دادرسی کیفری نسبت به متهم بوده و جنبه‌های حمایتی از متهم به شدت افزایش یافته است. در اینجا مهم‌ترین این نوآوری‌ها را نسبت به متهم در مراحل کشف جرم و تحقیقات مقدماتی در دو گروه نزد مرجع انتظامی و در دادسرا بررسی می‌کنیم.

**۱-۶- نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری در**

**خصوص متهم نزد مرجع انتظامی:** در موارد متعددی، متهم قبل از این‌که در اختیار مقام قضایی قرار گیرد، تحت نظر مرجع انتظامی قرار می‌گیرد. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ دارای نوآوری‌های مهمی در خصوص این مرحله است که به آن‌ها می‌پردازیم.

**۱-۱-۶- لزوم تفهیم حقوق متهم به وی توسط ضابط:** قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ برای متهم تحت نظر، حقوقی را پیش‌بینی کرده است. تصریح به این حقوق که ملازمه با تکلیف ضابطین دادگستری به ایفای وظایف خود در خصوص اهتمام به اجرای حقوق مزبور دارد را می‌توان نوعی پیشرفت در قانون جدید تلقی کرد (۱۳).

**۱-۲-۶- حضور وکیل در مرحله تحت نظر:** شاید بتوان پذیرش وکیل در مرحله تحت نظر را مهم‌ترین تحول و نوآوری قانون آیین دادرسی کیفری دانست. امروزه یکی از اجزای فنی حق دفاع متهم و تضمین‌های دادرسی عادلانه حق بهره‌مندی از وکیل یا مشاور حقوقی است. کار وکیل تنها دفاع از متهم نیست، بلکه با زبان قانون از حق و عدالت حمایت می‌کند و به عنوان بازوی اجرای عدالت به انجام وظیفه می‌پردازد (۱۴).

**۱-۳-۶- ممنوعیت توهین، اغفال، اجبار یا اکراه متهم در بازجویی:** صراحت قانونگذار در ممنوع‌نمودن چنین اموری نسبت به متهم جدید است. به موجب ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ «در بازجویی‌ها، اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات توهین‌آمیز و طرح سؤالات تلقینی یا اغفال‌کننده یا خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سؤالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورت مجلس قید شود و به امضا یا اثر انگشت متهم برسد.

به موجب بندهای مختلف ماده واحده قانون حقوق شهروندی، در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، باید از ایذای فرد نظیر بستن چشم و سایر اعضا و تحقیر وی اجتناب گردد و بازجویان و مأموران تحقیق باید از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن وی به

پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود.» قانونگذار برای مستندسازی عمل ضابطین دادگستری به وظایف قانونی آنان را مکلف به مکتوب نمودن حقوق شخص تحت نظر نموده است (۴).

۶-۱-۶- ممنوعیت اخذ تأمین از متهم توسط ضابطین: در تحقیقات مقدماتی، تأمین وسیله‌ای برای تضمین دسترسی به متهم در مواقع لزوم و تضمین جبران خسارت بزه‌دیده است. صدور این قرار که حقوق و آزادی‌های فردی را محدود می‌سازد، در صلاحیت انحصاری مقام قضایی است و ضابطان دادگستری نمی‌توانند برای تضمین حضور متهم، از او تأمین بگیرند (۱۶). بر همین اساس ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری بیان داشته است: «ضابطان دادگستری اختیار اخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضایی نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آنان محول کنند، در هر صورت هرگاه اخذ تأمین از متهم ضرورت داشته باشد، تنها توسط مقام قضایی و طبق مقررات این قانون اقدام می‌شود.» با این همه، گاه در عمل دیده شده که برخی بازپرسان و یا دادیاران برخلاف مقررات قانونی، در حالی که دلایل و قرائن کافی برای توجه اتهام به متهم وجود ندارد تا اقدام به صدور قرار نمایند، وی را با دستور (متهم با سپردن ضامن معتبر فعلاً آزاد باشد) به کلانتری معرفی می‌کنند. به منظور جلوگیری از این امر و جلب توجه مقامات قضایی به ممنوعیت ضابطان از اخذ تأمین، رییس قوه قضاییه طی بخشنامه شماره ۱/۷۹/۴۱۴۷۰ مورخه ۱۳۷۹/۹/۹ به قضات واحدهای قضایی سراسر کشور آنان را از صدور چنین دستوراتی منع نموده و آن را موجب مسؤولیت قضات دستوردهنده دانسته است (۴).

## ۷- نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص

### متهم نزد دادسرا

متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی ممکن است پس از طی مرحله تحت نظر (البته ممکن است این مرحله وجود نداشته باشد و متهم مستقیم از طریق مقام قضایی تحت تعقیب قرار گیرد) در اختیار دادسرا قرار گیرد. متهم در این مرحله از حقوق بسیاری برخوردار است و نوآوری‌های مهمی

اماکن نامعلوم خودداری کنند (۱۴). نکته دیگر این‌که فرد بازجوکننده از متهم نباید از کلمات موهن استفاده نماید و یا سؤالات اغفال‌کننده و خارج از موضوع اتهام را مطرح نماید که در این صورت پاسخ به آن‌ها توسط متهم معتبر نخواهد بود و از طرفی سؤالات باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد.

۴-۱-۶- ممنوعیت بازجویی از زنان و افراد نابالغ توسط ضابط مرد: بازجویی جزء خاطرات تلخ هر متهمی است، فرقی هم میان نوع اتهام و جرم واقع شده نیست. در این بین کودکان و زنان آسیب‌پذیرتر هستند و شاید دلیل آن، نوع نگرش غالب در جامعه در رابطه با فرآیند بازجویی باشد، به هر حال نباید فراموش کرد که متهم تا زمانی که جرمش اثبات نشده مجرم نیست و نباید حقوقش به عنوان یک شهروند عادی پایمال شود (۱۵).

قانونگذار برای حمایت از کودکان و زنان تصمیم به وضع قانونی گرفته است که شرایط بازجویی را برای این دو گروه کمی آسان‌تر خواهد کرد و شاید در نهایت نگرش منفی در رابطه با بازجویی از کودکان و زنان در جامعه از بین برود. بنابراین به موجب ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورتی امکان می‌یابد که توسط ضابطان آموزش‌دیده زن و با رعایت موازین شرعی صورت پذیرد که این امر می‌تواند کمک بزرگی در حق متهم باشد، زیرا عدم رعایت جنسیت افراد می‌تواند تأثیرات منفی در روحیه متهم داشته باشد، اما ابهامی که در مفاد این قانون وجود دارد، این است که آیا افراد نابالغ قیدشده در این ماده دختران نابالغ زیر پانزده سال می‌باشد یا پسران را نیز شامل می‌شود که به نظر می‌رسد منظور این ماده حکم کلی است که اعم از پسر و یا دختر خواهد بود (۱۵).

۵-۱-۶- حق درخواست معاینه پزشکی: یکی دیگر از حقوقی که در قانون آیین دادرسی کیفری برای متهم شناخته شده است، حق درخواست پزشک است. ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد و گواهی

در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در این خصوص مشاهده می‌گردد که به آن‌ها می‌پردازیم.

#### ۱-۷- احضار متهم به وسیله ابلاغ اوراق احضاریه: در

قانون جدید لزوم احضار متهم به عنوان یک نوآوری و به عنوان یک حق برای متهم پذیرفته شده است. نخستین اقدامی که نسبت به متهم صورت می‌پذیرد، احضار نمودن وی برای تحقیق از اوست. با این حال، باید به این نکته توجه داشت که اگرچه شکایت شاکی برای شروع به رسیدگی کافی است، ولی صرف وجود شکایت یا حتی گزارش ضابطان دادگستری علیه کسی، کافی برای احضار نمودن او نیست، بلکه عمل مجرمانه‌ای که به شخص نسبت داده می‌شود باید مستند به قرائتی باشد که دست کم احتمال ارتکاب آن از جانب وی داده شود. از این روست که ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری صریحاً به این نکته اشاره کرده و مقرر می‌دارد: «بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام کسی را به عنوان متهم احضار یا جلب کند.» امری که تخلف از آن موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار برای مرجع احضارکننده است.

طبق ماده ۱۶۹ احضار متهم به موجب فرم‌های مخصوص احضاریه صورت می‌گیرد. همچنین در ماده ۱۷۰ آمده است که در احضاریه مشخصات احضار شده، تاریخ و محل و ساعت حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید می‌گردد و به امضا مقام قضایی می‌رسد. تبصره ماده اخیر می‌افزاید: «در جرائمی که به تشخیص مرجع قضایی، حیثیت اجتماعی متهم و عفت یا امنیت عمومی اقتضا کند، علت احضار ذکر نمی‌شود، اما متهم می‌تواند برای اطلاع از علت احضار به دفتر مرجع قضایی مراجعه کند» (۴).

#### ۲-۷- لزوم ابلاغ برگ جلب و علت آن: متهمی که

احضار شده، مکلف است در وقت مقرر و یا در مهلت تعیین شده، نزد مراجع قضایی حاضر شود و چنانچه حضور پیدا نکند و عذر موجه خود را اعلام نکند، به دستور مقام قضایی جلب می‌گردد. دستور جلب در واقع دستور احضار شخص احضار شونده است که از طریق ضابطین دادگستری اجرا می‌شود و همانند احضاریه، باید کتبی و در فرم مخصوص که نکات

قانونی در آن لحاظ شده باشد، انجام گیرد. در واقع نتیجه عدم حضور متهم، جلب اوست (۱۷).

#### ۳-۷- ممنوعیت احضار پیش از جمع‌آوری ادله: یکی

از نوآوری‌های قانون جدید این است که احضار قبل از جمع‌آوری ادله ممنوع است. طبق ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند. حکم این ماده از باب رعایت حقوق شهروندی افراد پیش‌بینی شده است. هر شهروندی باید از حق داشتن امنیت برخوردار باشد (۱۸). یکی از جنبه‌های امنیت، امنیت قضایی می‌باشد. به این اعتبار قانونگذار مقامات قضایی را ملزم کرده است به صرف دریافت شکایت از طرف شاکی اقدام به احضار افراد نکنند و ابتدا به بررسی دلایل توجه اتهام بپردازند و چنانچه دلایل کافی برای توجه اتهام وجود داشته باشد، اقدام به احضار افراد نمایند. به موجب تبصره ماده فوق تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

#### ۴-۷- لزوم انجام تحقیقات مقدماتی به صورت

**محرمانه:** یکی از ویژگی‌های تحقیقات مقدماتی محرمانه بودن تحقیقات است که در ماده ۱۳۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت بیان شده است: «تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد، مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند.»

در گذشته هدف از محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی در نظام دادرسی تفتیشی بی‌اطلاع نگه‌داشتن متهم به منظور غافلگیر کردن او در وقت مناسب بود، اما در حال حاضر، منظور از محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی، ممنوع بودن انتشار اطلاعات آن است. هدف از محرمانه بودن نیز رعایت اصل برائت و جلوگیری از انتشار خبر اتهام متهم است که گاه با صدور قرار منع تعقیب نیز قابل جبران نخواهد شد (۱۹).

#### ۵-۷- تفهیم حق به همراه داشتن وکیل و ابلاغ این

**موضوع به متهم:** طبق ماده ۱۹۰ «متهم می‌تواند در مرحله

چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند، تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوای خصوصی توسط آنان منتشر می‌شود» (۹).

#### ۷-۷- ممنوعیت شنودهای تلفنی، تفتیش و کنترل

**مراسلات متهم:** برابر ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ «قانونگذار هرگونه کنترل ارتباطات مخابراتی افراد را ممنوع اعلام کرده است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد و یا برای کشف جرائم موضوع بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری لازم تشخیص داده شود. در این صورت مقام تحقیق با موافقت رییس کل دادگستری استان و تعیین دفعات مشخص نسبت به کنترل ارتباطات مخابراتی شخص متهم و یا مظنون به ارتکاب جرم اقدام می‌نماید. لازم به ذکر است کنترل مکاتبات تلفنی اشخاص و مقامات مندرج در ماده ۳۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری منوط به تأیید رییس قوه قضاییه می‌باشد.

یکی از نکات قابل ابهام در ماده ۱۵۰ این است که کنترل ارتباطات مخابراتی محکومان را ممنوع اعلام کرده است، جز به تشخیص دادگاه بدوی که رأی زیر نظر آن اجرا می‌شود و یا قاضی اجرای احکام. در اینجا این سؤال و ابهام وجود دارد که منظور قانونگذار از کنترل ارتباطات مخابراتی محکومان چیست و اساساً کسی که محکوم گردیده و در حال گذراندن دوران محکومیت می‌باشد، چه نیازی به کنترل مخابراتی وی وجود دارد و در داخل زندان چه امکاناتی برای ارتباط محکوم با بیرون از فضای زندان وجود دارد؟ مگر این‌که تصور شود که شرکا و یا معاونین جرم متواری بوده و برای شناسایی آنان می‌باید این چنین کاری صورت پذیرد که در متن تبصره ۲ ماده ۱۵۰ این چنین تصریحی به عمل نیامده است (۲۰).

#### ۷-۸- شناسایی و تعریف حریم خصوصی شهروندان:

یکی از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، شناسایی و تعریف حریم خصوصی شهروندان است که برابر ماده ۵۵ این قانون «ورود به منازل و اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن‌ها و بازرسی اشخاص و اشیا در جرائم غیر مشهود با

تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود، چنانچه متهم احضار شود این حق در برگ احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند اظهار کند و اظهارات وکیل در صورت جلسه مجلس نوشته می‌شود.»

نکته قابل توجه تبصره ۱ ماده فوق است که بیان داشته سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است (۴). لزوم تعیین وکیل تسخیری برای متهم که تا پیش از این بر عهده دادگاه و محدود به مرحله دادرسی شناخته می‌شد، هم اینک به موجب تبصره ۲ ماده فوق به مرحله تحقیقات مقدماتی نیز تسری یافته و از وظایف بازپرسی تلقی شده است. همچنین تکلیف بازپرس در این موارد ناظر بر جرائم مستوجب سلب حیات یا حبس ابد است.

#### ۶-۷- ممنوعیت انتشار تصاویر و سایر مشخصات

**متهم:** قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در مقام حمایت از حریم خصوصی افراد انتشار تصاویر آن را در جرایم ممنوع کرده، ولی در موارد ضرورت و استثنا اجازه انتشار تصویر متهمان را داده است. طبق ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری: «انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است، مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است: ۱- اگر متهمان به ارتکاب جرائم عمومی موضوع بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» ماده ۳۰۲ این قانون، متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان وجود نداشته باشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود؛ ۲- متهمان دستگیر شده که به ارتکاب

رعایت این موضوع در ماده ۶۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ آمده است (۴).

#### ۹-۷- اعطای مهلت به متهم و ارجاع امر به

**میانجی‌گری:** قانونگذار برای اولین مرتبه با عنایت به قانون آیین دادرسی کیفری و در راستای توافقی شدن آیین دادرسی کیفری در ماده ۸۲ که یکی دیگر از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ است، تحت شرایطی خاص قانونی درخواست مهلت از سوی متهم و میانجیگری را در جهت برقراری صلح و سازش بین طرفین امر (شاکی و متشاکی) پذیرفته است. اعطای مهلت به متهم و ارجاع به میانجی‌گری دو اقدامی است که با الهام از آموزه‌های عدالت ترمیمی، به منظور جبران خسارت بزه‌دیده، سازش طرفین و خارج ساختن پرونده‌های کم‌اهمیت از فرآیند قضایی پیش‌بینی شده است. مطابق این ماده «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف با شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجیگری ارجاع دهد. مدت میانجی‌گری بیش از سه ماه نیست و قابل تمدید است.»

پس از انقضای مهلت حداکثر دو ماهه به متهم و حداکثر سه ماهه برای میانجیگری، مقام قضایی نتیجه این اقدام خود را بررسی می‌کند. در این حال دو نتیجه فرض می‌شود: ۱- یا شاکی گذشت کرده؛ ۲- یا بر شکایت خود باقی است. در صورت گذشت، اگر جرم قابل گذشت باشد، مقام قضایی قرار متصرفی تعقیب صادر می‌کند و اگر جرم غیر قابل گذشت باشد، مقام قضایی می‌تواند در صورت وجود شرایط لازم و با موافقت متهم، قرار تعلیق تعقیب او را صادر کند، اگر نتیجه اعطای مهلت یا ارجاع به میانجی‌گری، بقای شاکی بر شکایت خود باشد، مقام قضایی تحقیقات را تا صدور قرار نهایی ادامه می‌دهد (۴).

اجازه موردی قضایی قابل اجرا است»، در صورتی که در ماده ۲۴ قانون سابق در قسمت دوم این‌گونه بیان شده بود که «باید با اجازه مخصوص مقام قضایی تفتیش صورت پذیرد.» بنابراین ارجاع کلی مراتب به ضابطین دادگستری دلیل بر ورود به حریم خصوصی، احوال و اشیای افراد و بازرسی شهروندان نمی‌باشد و برابر قانون جدید باید مجوز صادر گردد. ماده ۱۸ قانون سابق ضابطین دادگستری را در جرائم غیر مشهود مکلف به اعلام مراتب برای کسب تکلیف و اخذ دستور از مقام قضایی ذی‌صلاح می‌نمود، ولی تعریف واضح مانند مقررات تعیین‌شده جدید وجود نداشت. یکی از مواردی که در اجرای احکام کیفری و قضایی مورد نظر قانونگذار قرار گرفته، این است که ضابطین در هنگام ورود به منازل و اماکن تعطیل و بسته و بازرسی از اشخاص و اشیاء علاوه بر ارائه حکم قضایی می‌باید اوراق هویت ضابط‌بودن خود را به متصرف محل نشان دهند و مراتب را در صورت جلسه مجلس قید نمایند که این موضوع می‌تواند در اجرای صحیح احکام قضایی کمک نماید و جلوی هرگونه سوءاستفاده افراد سودجو را در تعریف غیر قانونی به حریم خصوصی افراد بگیرد.

هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (مسکن و خانواده و مال و ارتباطات)، استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت و مخدوش کردن حیثیت وی جایز نیست و باید از او در مقابل هرگونه دخالت زورگویانه حمایت شود. مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا به صورت غیر مشروع وارد آن شد و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنینش را آواره نمود، مگر برابر مقررات و در جایی که منافع عمومی جامعه در معرض خطر قرار گیرد.

قابل ذکر است که بازرسی بدنی اشخاص یا تفتیش اشیاء و اماکن یا ورود به منزل در جرائم مشهود، اقداماتی هستند که نیاز به حکم قبلی مقام قضایی ندارند و مشهودبودن جرم و ضرورت دخالت فوری ضابطان آن را توجیه می‌کند، اما در جرائم غیر مشهود که ماده فوق ناظر به آن است، ضابطان دادگستری حق انجام اقدامات مذکور را نداشته و برای این امور دستور صریح مقام قضایی لازم است. ضمانت اجرای عدم

#### ۱۰-۷- حق مطالعه پرونده و تحصیل اطلاعات لازم:

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در یک نوآوری صراحتاً حق مطالعه پرونده و تحصیل اطلاعات لازم را برای متهم به رسمیت شناخته است. حقی که قبلاً در خصوص آن تردیدهایی وجود داشت. محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی به معنای نامحرم بودن متهم و شاکی نیست و آن‌ها اصولاً حق دارند که تقاضای مطالعه پرونده و گرفتن کپی از اوران آن را نمایند. محروم ساختن متهم و شاکی از دسترسی به پرونده و مطالعه آن، خلاف اصل و امری استثنایی و نیازمند توجیه است. منع شاکی و متهم از مطالعه پرونده و ذکر دلیل آن باید در قالب صدور قرار صورت گیرد، قراری قابل اعتراض تا در مرجع بالاتر قابل کنترل باشد و در صورت نقض بلاوجه این حق، قرار نیز به همان سرنوشت دچار شده و فوراً نقض گردد.

در مورد حق دسترسی متهم به پرونده، قانون صراحت نداشته و وجود این حق را از آنجا می‌توان تشخیص داد که بازپرس می‌تواند با صدور قراری وی را از آن محروم سازد که پیش‌بینی صدور این قرار به طور ضمنی دلالت بر اصل وجود حق مزبور دارد. در این‌باره ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری می‌گوید: «چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد، با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آن‌ها صادر می‌شود.» با توجه به ماده فوق و تبصره ۳ ماده ۱۹۰، در سه مورد بازپرس می‌تواند متهم و وکیل او را از مطالعه پرونده ممنوع سازد: در جرائم منافی عفت، در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و در سایر جرائم چنانچه مطالعه یا دسترسی به پرونده منافی با ضرورت کشف حقیقت باشد (۴).

#### ۱۱-۷- پذیرش آخرین دفاع به عنوان حق متهم:

یکی از نوآوری‌های مهم این قانون این است که صراحتاً آخرین دفاع را به عنوان حق متهم به رسمیت شناخته است. طبق ماده ۲۶۲ این قانون: «بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی به وقوع جرم، به متهم یا وکیل وی اعلام می‌کند که برای براءت یا کشف حقیقت، هر اظهاری دارد، به عنوان آخرین دفاع بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی

در آخرین دفاع، مطلبی را اظهار کند یا مدرکی ابراز نماید که در کشف حقیقت یا براءت مؤثر باشد، بازپرس مکلف به رسیدگی است.» همچنین برابر ماده ۲۶۳ «در صورتی که متهم یا وکیل وی برای اخذ آخرین دفاع احضار شود و هیچ یک از آنان بدون عذر موجه حضور نیابد، بدون اخذ آخرین دفاع، اتخاذ تصمیم می‌شود.»

پس از انجام بازجویی توسط بازپرس که گاه ممکن است در چند جلسه صورت گیرد، قبل از صدور قرار نهایی در مورد اتهام، باید آخرین دفاع از متهم اخذ گردد. حق آخرین دفاع بر پایه اصل براءت توجیه می‌گردد و هدف این است که پس از شنیدن اظهارات شاکی و شاهد توسط مرجع تحقیق و جمع‌آوری دلایل، همیشه آخرین کسی که مطلبی را می‌گوید متهم باشد تا در جهت تثبیت اصل براءت، هر دفاعی را که به نظرش می‌رسد، اظهار دارد.

در مورد این که بیان آخرین دفاع توسط متهم، حق اوست یا تکلیف او، قبلاً اختلاف نظر وجود داشته و قانون حاضر به این اختلاف پایان داده و با ماده ۲۶۳ نشان داده است که آخرین دفاع، حق متهم است و قابل اسقاط است. متهم می‌تواند با وجود دریافت احضاریه برای حضور و ارائه آخرین دفاع، نزد مراجع قضایی حاضر نگردد. بنابراین می‌توان گفت با عدم حضور متهم برای ارائه آخرین دفاع، بازپرس نمی‌تواند حاضر نمودن او را از کفیل یا وثیقه گذار بخواهد یا دستور جلب وی را بدهد. (۱۶).

در واقع اگر بازپرس متهم را جهت اخذ دفاع احضار نماید، ولی وی حضور پیدا نکند، با توجه به رعایت تشریفات دادرسی صدور رأی بدون اخذ آخرین دفاع ایراد نخواهد داشت.

#### ۱۲-۷- پذیرش ایفای نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در

دادرسی کیفری: اصل ۲۶ قانون اساسی تصریح دارد: «حزب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند.» اصل ۲۷ نیز بر آزادی تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها بدون حمل سلاح به شرط آن که مخل مبانی اسلام نباشد، تأکید کرده است. در

ارتباط با تفسیر اصول مزبور دو دیدگاه بایستی مورد توجه قرار گیرد. بنا به تصریح قانون اساسی جمعیت‌ها و انجمن‌ها که شمول اصل سازمان‌های غیر دولتی را نیز دربر خواهد گرفت، در انجام فعالیت خود مشروط به قیود خاص آزادند. نظارت بر رعایت اصول مزبور و تأمین شرایط مقرر نوعی نظارت پسینی است که پس از تأسیس و ایجاد سازمان‌های غیر دولتی از سوی دولت اعمال می‌شود و قانون اساسی تصریحی به نظارت پیشینی ندارد، فلذا در خصوص تأسیس و فعالیت این نوع سازمان‌ها نیازی به اخذ مجوز نیست و دولت تنها نظارت می‌کند تا سازمان‌های غیر دولتی، شرایط مقرر در اصل ۲۶ و ۲۷ را نقض نکنند، اگرچه قانون اساسی تصریحی به نظارت پیشینی ندارد، ولی شرط رعایت اصول مزبور مستلزم احراز صلاحیت سازمان غیر دولتی و انجمن‌ها می‌باشد. بنابراین لازم است قبل از تأسیس و فعالیت نسبت به اخذ مجوز اقدام شود. در ارتباط با شخصیت حقوقی سازمان‌های غیر دولتی باید گفت نظر به این‌که این سازمان‌ها، مؤسسات و تشکیلات غیر دولتی محسوب می‌شوند، مستنداً به مواد ۵۸۶-۵۸۴ قانون تجارت از تاریخ ثبت در دفتر مخصوص، واجد شخصیت حقوقی می‌شوند. با این حال در خصوص نظارت بر فعالیت آن‌ها، قانون ثبت شرکت‌ها فاقد سازوکار لازم می‌باشد و ابطال مجوز از سوی ثبت شرکت‌ها ممکن نیست، بلکه قانون ابطال مجوز را به تصمیم قضایی موکول کرده است. در سال ۱۳۷۸ شورای عالی اداری مرجع صدور مجوز و نظارت بر فعالیت سازمان‌های غیر دولتی را دستگاه ذی‌ربط در موضوع فعالیت آن سازمان غیر دولتی دانست که این مصوبه توسط دیوان عدالت اداری ابطال گردید. در سال ۱۳۸۱ آیین‌نامه دیگری تنظیم شد که به منظور ساماندهی این‌گونه تشکل‌ها مرجع صدور مجوز را وزارت کشور تعیین نمود و این آیین‌نامه از تاریخ تدوین تا سال ۱۳۸۴ حدوداً ۳ مرتبه اصلاح شده است. در حال حاضر مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز کسب مجوز از مراکز فرهنگی ارشاد را به منظور تأسیس مؤسسات فرهنگی لازم دانسته است. آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجارتي در ماده ۵ خود پیش‌بینی کرده است که این‌گونه مؤسسات باید اظهارنامه‌ای حاوی اسم، اقامتگاه،

تابعیت، موضوع مؤسسه، مراکز، شعب و همچنین نام و شهرت و اقامتگاه اشخاصی را که برای اداره مؤسسات تعیین شده‌اند، تهیه نموده و پس از کسب اجازه‌نامه از شهرداری به اداره ثبت شرکت‌ها در تهران یا به اداره ثبت مراکز اصلی در شهرستان‌ها تسلیم نماید و در صورتی که مؤسسات خارجی باشند، اداره ثبت شرکت‌ها تقاضای ثبت آن‌ها را با ذکر خصوصیات به وزارت امور خارجه اعلام و پس از موافقت آن وزارتخانه طبق مقررات اقدام به ثبت آن‌ها خواهد کرد. اکنون نیز وزارت کشور پیش‌نویس آیین‌نامه تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد را تهیه نموده است، لیکن هنوز این آیین‌نامه به تصویب هیأت وزیران نرسیده و واجد موجودیت حقوقی نیست. با این حال توجه به رئوس و خطوط کلی آن مفید ثمر خواهد بود. سازمان مردم‌نهاد تشکلی است که توسط گروهی از اشخاص حقیقی و یا حقوقی غیر دولتی به صورت داوطلبانه تأسیس شده و غیر انتفاعی، غیر سیاسی و عضوپذیر می‌باشد. منظور از غیر سیاسی، یعنی عدم ورود به هر شکل و به هر شیوه به چرخه کسب قدرت سیاسی و عدم وابستگی به تشکل‌های سیاسی و احزاب. غیر انتفاعی نیز عبارتست از عدم فعالیت‌های تجاری و صنفی، همچنین عدم انجام سایر فعالیت‌هایی که به منظور تقسیم منافع بین اعضا، مؤسسان، مدیران و کارکنان سازمان باشد. داوطلبانه، یعنی مشارکت در تأسیس و اداره سازمان بر اساس اراده آزاد اشخاص بدون الزام قانونی یا قضایی. عضوپذیری نیز به مفهوم پذیرش عضویت کلیه متقاضیان واجدالشرایط سازمان است به نحوی که از حقوق مشابه برخوردار باشند.» مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی کیفری بر اساس اهداف این سازمان‌ها همیشه مورد مناقشه بوده است.

### نتیجه‌گیری

آیین دادرسی کیفری با گذر از اندیشه‌های صرفاً کیفری و سزاکرایانه و حرکت به سمت اندیشه‌های اصلاحی و ترمیمی و با رعایت حقوق شهروندی در برخورد با مسائل کیفری، زمینه لازم برای حضور و نقش‌آفرینی فعال اشخاص غیر قضایی را در رسیدگی‌های کیفری فراهم کرد. حضور اشخاص غیر قضایی

نیازمند ایجاد ساختارهای لازم است، بلکه تغییر نگرش مقامات قضایی را نیز می‌طلبد که استفاده از این خدمات، آن‌ها را در به نتیجه‌رساندن یک دادرسی عادلانه و همچنین کمک به بازگشت بزه‌کاران به جامعه و کاهش آسیب‌های وارده بر بزه‌دیدگان یاری خواهد نمود.

در دادرسی کیفری به صورت‌های مختلفی، از جمله از طریق دادن نقش و جایگاه به متخصصان علوم اجتماعی، روان‌شناسی و جرم‌شناسی در فرآیند رسمی رسیدگی‌های کیفری بوده است. ورود افراد متخصص و کارشناسانی که عنوان قضایی ندارند نیز از تغییر پارادایم‌های حقوق کیفری متأثر گردید. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در راستای یک تحول بزرگ، نوآوری‌های مهم و اساسی در خصوص اصحاب دعوی کیفری داشته است. حضور خانواده متهم در مراحل اولیه دادرسی کیفری و اطلاع از وضعیت متهم و سلامت او، حضور مؤثر و پررنگ پزشک در مراحل دادرسی کیفری از جهت تضمین سلامت متهم و تضمین روند صحیح اجرای احکام کیفری و پذیرش مددکاران اجتماعی، مشاوران، فرهنگیان، روان‌شناسان و اشخاص غیر قضایی دیگر در فرآیند دادرسی کیفری، می‌تواند ماهیت دادرسی کیفری را تغییر دهد. امروز تردید وجود ندارد که یک دادرسی کیفری که فقط از طریق مقامات قضایی صورت می‌پذیرد، منتج به نتایج عادلانه از جهت رسیدگی کیفری نخواهد شد و از طرف دیگر نمی‌تواند بزه‌کار و بزه‌دیده را به جامعه برگرداند، در حالی که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، بسیاری از نهادهای عدالت ترمیمی را مورد پذیرش قرار داده است. نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری و اجازه حضور به اشخاص غیر قضایی در مراحل مختلف دادرسی کیفری از کشف جرم تا اجرای احکام کیفری در همین راستا می‌باشد، در حالی که سطح حضور واقعی اشخاص غیر قضایی در دادرسی کیفری هنوز به سطح مورد انتظار خود قانون آیین دادرسی کیفری نرسیده است، نه تنها بایستی ظرفیت قانونی جهت حضور این اشخاص به طور کامل مورد استفاده قرار گیرد، بلکه بایستی با انجام برخی از اصلاحات زمینه را برای حضور مؤثرتر اشخاص غیر قضایی در دادرسی کیفری فراهم آورد، به نحوی که مقامات قضایی دخیل در امر دادرسی کیفری بتوانند در هر زمان از خدمات اشخاص غیر قضایی و از جمله جرم‌شناسان، روان‌شناسان، مشاوران، مددکاران اجتماعی، پزشکان، کارشناسان، افراد باتجربه محلی و... که به طور سازمان‌یافته در محل دادگستری و یا محل‌های دیگر حضور دارند، بهره‌برند. این امر نه تنها

## References

1. Amid H. Farhang Amid. Tehran: Amirkabir Publishing; 2019. p.580. [Persian]
2. Jafari Langroudi MJ. Legal Terminology. Tehran: Mizan Publications; 2007. p.612. [Persian]
3. Bahri M, Davar AA. An Attitude Towards Public Criminal Law. Tehran: Majd; 2001. p.14. [Persian]
4. Khaleghi A. Criminal Procedure Code. 33th ed. Tehran: Shahr-e Danesh Institute for Legal Studies and Research; 2016. p.191. [Persian]
5. Naji Zavareh M. Familiarity with the procedure of criminal proceedings: Organization and jurisdiction of courts, trial, issuance of verdicts and objections to it. 2nd ed. Tehran: Khorsandi; 2016. p.61. [Persian]
6. Mohajeri A. Procedure in the Court. 10th ed. Tehran: Fekr Sazan Publications; 2015. p.95.
7. Mossadegh M. Innovations in the new law of criminal procedure approved in 2013 with the latest amendments in 1394. 1st ed. Tehran: Jungle Publications, Immortal; 2013. p.115. [Persian]
8. Karkhiran MH. Criminal Procedure Code. 1st ed. Tehran: Ariadad; 2016. p.116. [Persian]
9. Abdollahi A. Criminal Procedure Code: According to the Criminal Procedure Code of 2013 and the Supplementary Law of the Code of Criminal Procedure of the Armed Forces and Electronic Procedure of 2014. 1st ed. Tehran: Majd Scientific and Cultural Association; 2014. p.223. [Persian]
10. Tahmasebi J. Criminal Procedure. 1st ed. Tehran: Mizan; 2016. p.119. [Persian]
11. Ashouri M. Criminal Procedure. 18th ed. Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Samat), Center for Research and Development of Humanities; 2015. p.133. [Persian]
12. Gholami H. Restorative Justice. Tehran: Samat Publications; 2006. p.20. [Persian]
13. Fathi A. Innovation in the new bill of criminal procedure. *Hamit Newspaper* 2013; 4(7): 3. [Persian]
14. Taghipour A. Unification of Criminal Procedure Regulations with Human Rights Standards. Tehran: Ain Tarbiat Publications; 2009. p.130. [Persian]
15. Karimi A. Rules governing criminal interrogation. *Law Quarterly, Faculty of Law and Political Science* 2009; 39(2): 301-325. [Persian]
16. Zeraat A. Criminal Procedure Code. 1st ed. Tehran: Mizan; 2016. p.164. [Persian]
17. Salimi S. Article-by-Article Analysis: The Code of Criminal Procedure of 2013 in Comparison with the Former Laws. 2nd ed. Tehran: Jangal, Javadaneh; 2014. p.88. [Persian]
18. Javanmard B. criminal proceedings. 1st ed. Tehran: Immortal Publications, Jungle; Vol.2 p.79. [Persian]
19. Akhoondi M. Identifying the Criminal Procedure Code: Execution of Criminal Judgments. 10th ed. Tehran: Durandishan; 2015. p.263. [Persian]
20. Shahcheragh SH. Description of Criminal Procedure. 1st ed. Tehran: Jangal, Javadaneh; 2016. p.117. [Persian]
21. Sabri N. Criminal Procedure in Criminal Matters. 1st ed. Tehran: Equality; 2014. p.235. [Persian]